آداب معاشرت و مصاحبت

حضرت بهاءالله, حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



### لوح رقم (25) امر و خلق – جلد 3

## ٢٥ - آداب معاشرت و مصاحبت

از حضرت بهاءالله در لوحی است قوله الاعلی : قل ایّاکم ان تد خلوا بیت احدٍ الّا بعدَ رضائِه و ایّاکم اَنْ تفتخروُا علی احدٍ مِن عبادی بما اوتیتُم مِن زخارفِ الارض سوفَ یفنی ما ترونَهُ الیوم و یبقی الملکُ للّهِ الفرد العزیز الحمید .

و قوله تعالی فی الکتاب الاقدس : ایّاکم اَنْ تد خلوا بیتاً عندَ فقدان صاحبه الّا بعد اذنِه تمسّکُوا بامعروف فی کلّ الاحوال و لا تکونّن من الغافلین .

و در کلمات مکنونه است قوله جلّ بیانه : مصاحبت ابرار را غنمیت دان و از مرافقت اشرار دست و دل هر دو بردار . . . با اشرار الفت مگیر و مؤانست مجو که مجالست اشرار نور جان را به نار حسبان تبدیل نماید . . . اگر فیض روح القدس طلبی با احرار مصاحب شو زیرا که ابرار جام باقی از کف ساقی خلد نوشیده‌اند و قلب مردگان را چون صبح صادق زنده و منیر و روشن نمایند . . . صحبت اشرار غم بیفزاید و مصاحبت ابرار زنگ دل بزداید من اراد ان یأنسَ مع اللّه فلیأنسْ معَ احبائِه و مَن ارادَ اَنْ یسمعَ کلماتِ اللّه فلیسمعْ کلماتِ اصفیائِه . و از حضرت عبدالبهاء است قوله الناصح المشفق : آفت انسان الفت با بیخرد‌ان و کلفت اهل عرفان است چه معاشرت سرایت نماید .

و قوله المحبوب : هر نفسی مشاهده کنید که ذرۀ حرکت نالایقی دارد و یا رائحۀ غیر تقدیس از او استشمام میشود البته فورا احتراز نمائید و تجنب کنید زیرا ضرّ امر الله در تقرّب به آن است چه که نفوسی پیدا شده‌اند که اسیر نفس و هوی هستند و نام حق بر زبان میرانند این نفوس در امر الله از سم قاتل بدتر و بسیار احتیاط لازم است .

در سفرنامۀ امریکا در جواب سؤال از چگونگی معاشرت با اشخاص بد عمل قوله المبین : آن نیز دو قسم است قسمی ضرّش بخود صاحب عمل راجع است و متعدّی نیست البته باید به حکمت شخص بد عمل را آگاه و تربیت نمود مریض است باید او را شفا داد اما قسمی که ضرش بدیگران میرسد و معاشرت با چنان اشخاص سبب سوء اخلاق میشود درین صورت حشر با آن نفوس جائز نه مگر برای کسانی که بر منع و تربیت قادر و غالب باشند و حتّی الامکان سبب تعدیل اخلاق و تحسین اطوار گردند والّا حفظ هیئت اجتماعیه از مضرات اعمال آن گونه اشخاص راجع به مرکز عدل و داد است این است که در الواح جمال مبارک هم حکم معاشرت با ادیان و وحدت عالم انسان است و هم منع الفت با اشرار و احتراز ازاهل نفی و انکار .

و در سفرنامه اروپا قوله العزیز : اشخاصی هستند که آلودگی آنها بدرجۀ است که حشر با آنها غیر مفید بلکه مضرّ است البته از آن گونه نفوس دوری لازم است اما کسانی هستند بد اخلاق و بد رفتار که اصلاح حال آنها ممکن است چندان نباید اجتناب نمود ولی معاشرت با آنها محض بیداری و آگاهی باشد ولکن مردمان بی‌حوصلۀ بی‌صبر یا بی‌گذشت که نیت خیر دارند ولو سلوک ندارند البته نباید آنها را مبغوض دانست زیرا صادق‌اند نه کاذب امین‌اند نه خائن .

و نیز ازحضرت بهاءالله در لوحی است قوله الاعلی : معاشرت با جمیع احزاب را اذن دادیم مگر نفوسی که رائحۀ بغضا در امرالله مولی الوری ازیشان بیابند از امثال آن نفوس احتراز لازم امراً من لدی الله رب العرش العظیم .